



بنیاد فیریه فواجه نصیر طوسی

لایحه قانونی مطبوعات

مصوب ۱۳۳۱/۱۱/۱۱

فصل اول: تعریف و تاسیس روزنامه و مجله

ماده ۱- روزنامه یا مجله نشریه ایست که برای روشن ساختن افکار مردم در زمینه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی یا علمی و فنی و یا ادبی و ترقی‌دادن سطح معلومات عامه و نشر اخبار و اطلاعات و مطالب عام المنفعه و انتقاد و صلاح‌اندیشی در امور عمومی به طور منظم و در مواقع معین بر طبق اجازه نامه طبع و نشر گردد.

ماده ۲- هر کس بخواهد روزنامه یا مجله تاسیس کند باید از وزارت کشور اجازه تحصیل نماید.

ماده ۳- درخواست کننده اجازه باید دارای شرایط ذیل باشد:

الف- ایرانی باشد.

ب- سن او از ۳۰ سال کمتر نباشد.

ج- سابقه محکومیت جنایی و یا محکومیت جنحه که موجب سلب حقوق اجتماعی باشد نداشته و محجور نباشد.

د- سواد خواندن و نوشتن فارسی به قدر کفایت داشته باشد.

تبصره - در صورتی که موسس یا مدیر روزنامه یا مجله فاقد یکی از شرایط مذکور در بند (الف) یا بند (ج) این ماده بشود اجازه انتشار روزنامه یا مجله او از درجه اعتبار ساقط می‌گردد.

ماده ۴- درخواست کننده اجازه، علاوه بر مدارک لازمه اظهارنامه‌ای شامل اطلاعات ذیل در تهران به وزارت کشور و در شهرستان‌ها به فرماندار محل تسلیم خواهد نمود.

۱- نام و نام خانوادگی موسس و همچنین نام و نام خانوادگی مدیر یا سردبیر اگر مدیر و سردبیر جداگانه داشته باشد.

۲- محل اداره روزنامه یا مجله.

۳- نام و نشانی چاپخانه‌ای که روزنامه یا مجله در آن چاپ می‌شود.

۴- نام روزنامه یا مجله و ترتیب چاپ آن که یومیه است یا هفتگی یا ماهانه.

۵- عده نسخه هایی که از هر شماره چاپ می شود.

۶- روش روزنامه یا مجله.

تبصره - هرگونه تغییری که نسبت به موارد فوق پیش آید مدیر موظف است در ظرف یک هفته به اطلاع وزارت کشور و فرماندار محل برساند.

ماده ۵- درخواست های تاسیس روزنامه یا مجله به وسیله هیاتی مرکب از مدیر کل وزارت کشور، رییس اداره نگارش وزارت فرهنگ و دادستان شهرستان تهران یا نماینده او رسیدگی می شود و نسبت به درخواست هایی که واجد شرایط قانونی باشد اجازه نامه از طرف وزارت کشور صادر خواهد گردید.

تبصره ۱- مدت اعتبار اجازه نامه ها برای شروع انتشار شش ماه است.

تبصره ۲- وزارت کشور دفتری ترتیب خواهد داد که در آن نام روزنامه ها و مجلاتی که اجازه آنها صادر شده است با مشخصات هر یک مرتباً ثبت می شود. صدور اجازه به اسامی مکرر یا نامناسب و مستهجن ممنوع است و به هیچ کس برای انتشار روزنامه یا مجله بیش از یک اجازه داده نخواهد شد.

ماده ۶- مدیر هر روزنامه یا مجله باید برای اداره خود دفاتر محاسباتی پلمپ شده برطبق قانون تجارت تهیه نماید که کلیه مخارج و درآمد اداره منظم در آن ثبت گردد و بیلان سالیانه درآمد و مخارج خود را به گواهی دادستان یا نماینده او رسانیده و در اولین شماره ماه سوم سال بعد برای اطلاع عامه انتشاردهد.

دادستان شهرستان یا نماینده او موظف است لااقل شش ماه یکبار دفاتر مزبور را بازرسی و امضاء نماید.

ماده ۷- هر روزنامه و یا مجله ممکن است علاوه بر موسس، مدیر و سردبیر جداگانه داشته باشد، در این صورت مدیر و سردبیر باید واجد شرایط مقرر در ماده سوم باشد.

ماده ۸- در هر شماره روزنامه و مجله باید نام و نام خانوادگی موسس و در صورتی که مدیر و سردبیر جداگانه داشته باشد نام و نام خانوادگی مدیر و سردبیر و همچنین نام و نشانی چاپخانه ای که در آن به طبع می رسد قید شود. در مورد کتب و رسالات نیز نام مولف یا مترجم و ناشر و همچنین نام و نشانی چاپخانه ای که در آن به چاپ رسیده پشت کتاب یا رساله باید چاپ شود.

تبصره - مدیر هر روزنامه یا مجله مکلف است یک نسخه از روزنامه یا مجله خود را برای دادستان شهرستانی که روزنامه یا مجله در آن حوزه چاپ می شود مستقیماً و یا به وسیله پست سفارشی دو قبضه فرستاده و رسید بگیرد.

ماده ۹- وزارتخانه ها و موسسات دولتی و بنگاههایی که دارای شخصیت حقوقی هستند در صورتی که بخواهند نشریه مرتبی داشته باشند باید مدیر واجد شرایط معرفی کنند.

ماده ۱۰- اجازه نامه روزنامه ها و مجلاتی که تا تاریخ تصویب این لایحه یک سال تمام مرتب منتشر شده باشند به قوت خود باقی هستند وزارت فرهنگ مکلف است در ظرف یک ماه از تصویب این لایحه قانونی فهرست آنها را با اطلاعات لازمه نسبت به هر یک با دقت تهیه و به وزارت کشور بفرستد.

مدیران روزنامه‌ها و مجلاتی که یک سال تمام منتشر نشده اند می‌توانند در ظرف یکماه از تاریخ اجرای این لایحه قانونی درخواست خود را بر طبق مواد ۳ و ۴ به وزارت کشور تسلیم نمایند و وزارت کشور مکلف است در ظرف ۲ ماه تکلیف این درخواست‌ها را معلوم نماید.

مدیران روزنامه‌ها و مجلاتی که بر طبق این ماده عمل نکنند و یا درخواست آنان با مواد ۳ و ۴ منطبق نباشد، اجازه نامه آنان برای انتشار روزنامه یا مجله از درجه اعتبار ساقط است.

ماده ۱۱ - هیچ کس نمی‌تواند اجازه نامه روزنامه یا مجله خود را به دیگری واگذار کند، مگر این که آن شخص واجد شرایط مقرر شده و انتقال به تصدیق وزارت کشور برسد.

ماده ۱۲ - در صورت فوت موسس چنانچه در میان وراثت کسی واجد شرایط باشد با موافقت کتبی سایر وراثت و یا قایم مقام قانونی آنان در صورت تقاضا اجازه به نام او صادر می‌شود والا وراثت می‌توانند با معرفی مدیر واجد شرایط و تصویب وزارت کشور آن روزنامه یا مجله را منتشر نمایند.

فصل دوم: حق بورژوازی آیین نامه های مطبوعاتی

ماده ۱۳ - موسسات دولتی و عمومی و همچنین افراد مردم اعم از مأمورین رسمی یا غیر آنها هرگاه در روزنامه یا مجله مطالبی مشتمل بر تهمت و افترا یا اخبار مخالف واقع نسبت به خود مشاهده کردند حق دارند جواب آن مطالب را کتبا برای روزنامه یا مجله بفرستند و آن روزنامه یا مجله مکلف است این گونه توضیحات و جواب‌ها را که بیش از میزان مطلب اصلی نباید باشد در همان صفحه و با حروفی که مطلب اصلی را چاپ کرده مجانا و بلا تاخیر به طبع برساند و نسبت به زاید بر آن میزان جواب دهنده حق الطبع معمولی را خواهد پرداخت، همین تکلیف شامل روزنامه‌ها و مجلاتی که مطالب مشتمل بر تهمت و افترا یا با اخبار مخالف واقع از مطبوعات دیگر نقل نمایند خواهد بود. در صورتی که روزنامه یا مجله علاوه بر جواب، مطالب و یا توضیحات مجددی چاپ نماید حق جواب‌های مجدد برای معترض محفوظ خواهد بود.

ماده ۱۴ - وزارتخانه‌های کشور و فرهنگ و دادگستری مکلفند برای تنظیم امور چاپخانه‌های طبع کتب و رسالات و اعلانات و کتاب‌فروشی‌ها و توزیع جراید و روزنامه‌فروشی‌ها و همچنین نسبت به شرایط حقوق و امتیازات خبرنگاران و مخبرین عکاس آیین‌نامه‌های لازم را تهیه و به هیئت وزیران پیشنهاد نمایند در این آیین‌نامه‌ها برای توزیع و فروش روزنامه‌ها و مجلات و رسالاتی که به زبان‌های خارجی یا به زبان فارسی در خارج مملکت چاپ شده است مقررات لازم باید پیش‌بینی شود.

فصل سوم: جرایم مطبوعاتی

ماده ۱۵ - اشخاصی که به وسیله نشر مقالات و یا جعل اخبار در مطبوعات مرتکب یکی از جرایم ذیل شوند به حبس تادیبی از ۶ ماه تا سه سال محکوم می‌شوند:

الف - کسانی که مردم را صریحا تحریص و تشویق به خرابکاری و آتش‌سوزی و قتل و غارت و سرقت نمایند.

ب - کسانی که افسران و افراد ارتش را به نافرمانی و عدم انقیاد احکام نظامی ترغیب و تشویق کنند.

در موارد مذکور در این ماده چنانچه تحریص و ترغیب موثر واقع شود و جرایم منظور اتفاق افتد اشخاص مذکور در بند (الف) و (ب) به مجازاتی محکوم خواهند شد که در قانون مجازات عمومی برای معاون همان جرم پیش‌بینی شده است.

ماده ۱۶ - اشخاصی که دستورهای محرمانه نظامی و اسرار ارتش و یا نقشه قلاع و استحکامات نظامی را در زمان جنگ به وسیله مطبوعات فاش و منتشر کنند به حبس مجرد از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد و چنانچه در زمان جنگ نباشد شش ماه تا دو سال محکوم می شوند.

ماده ۱۷ - هر کس مقاله‌ای مضر به اساس دین حنیف اسلام انتشار دهد به سه ماه تا یک سال حبس تادیبی محکوم می شود.

ماده ۱۸ - هر کس به وسیله روزنامه یا مجله یا کتاب مردم را صریحا به ارتکاب جنحه یا جنایتی بر ضد امنیت داخلی یا خارجی مملکت که در قانون مجازات عمومی پیش بینی شده است تحریص و تشویق نماید در صورتی که اثری بر آن مترتب شده باشد به مجازات معاونت همان جرایم محکوم خواهد شد و در صورتی که اثر بر آن مترتب نشود به یک ماه تا سه ماه حبس تادیبی یا پرداخت دو هزار تا بیست هزار ریال غرامت محکوم خواهد شد.

ماده ۱۹ - هر کس به وسیله مطبوعات از جرایم مذکور در مواد فوق و یا مرتکبین آن اعمال به نحوی از انحا تقدیر و تمجید کند به جریمه نقدی از ۵ هزار تا پنجاه هزار ریال محکوم می شود.

ماده ۲۰ - هر کس به وسیله روزنامه یا مجله به مقام سلطنت یا شخص شاه توهین کند به مجازات مندرج در بند یک ماده (۸۱) قانون مجازات عمومی محکوم می شود.

ماده ۲۱ - هر کس به وسیله مطبوعات نسبت به رئیس یا نماینده سیاسی مملکت خارجی که با ایران روابط دوستانه دارد توهین نماید طبق بند دوم ماده ۸۱ قانون مجازات عمومی محکوم می شود مشروط بر این که در آن مملکت نیز در موارد مذکوره نسبت به ایران معامله متقابل شود.

ماده ۲۲ - در جرایمی که ذیلا ذکر می شود:

الف - انتشار مقالات مضر به عفت عمومی و یا مضر به اخلاق حسنه.

ب - انتشار صور قبیحه

ج - انتشار آگهی ها یا عکس هایی مخالف اخلاق حسنه و آداب و رسوم ملی.

د - انتشار مذاکرات سری محاکم دادگستری و یا انتشار تحقیقات و تصمیمات مراجع قضایی که قانونا انتشار آنها ممنوع است.

مرتکب به تادیبه یک هزار تا ده هزار ریال غرامت محکوم خواهد شد.

ماده ۲۳ - هر یک از افراد مردم اعم از مأمورین رسمی یا غیر آنها که در روزنامه یا مجله یا هر نوع نشریه دیگر مندرجاتی مشتمل بر تهمت و افترا و یا فحش و الفاظ رکیکه و یا نسبتهای توهین آمیز درزندگی خصوصی و یا هتک شرف و ناموس و امثال آن نسبت به خود مشاهده نماید می تواند از نویسنده یا ناشر آن به دادسرا یا به دادگاه شکایت نماید مرتکب به دو ماه تا ۶ ماه حبس تادیبی و یا از ده هزار تا پنجاه هزار ریال جریمه نقدی محکوم خواهد شد.

تبصره - در موارد فوق شاکی می تواند برای مطالبه خسارات مادی و معنوی که از نشر مطالب مزبور بر او وارد آمده به دادگاه حقوقی دادخواست تقدیم نماید و دادگاه مکلف است نسبت به آن رسیدگی و مبلغ خسارات را تعیین و مورد حکم قرار دهد.

تبصره ۲ - هرگاه انتشار مطالب مذکوره در ماده فوق راجع به اموات ولی به قصد هتاک یا بازماندگان آنان باشد هر یک از ورثه قانونی می‌تواند بر طبق ماده و تبصره فوق شکایت نماید.

ماده ۲۴ - هرکس به وسیله مطبوعات دیگری را تهدید به هتک شرف و حیثیت یا افشا سری نماید در صورتی که ثابت شود این تهدید برای استفاده مادی یا تقاضای انجام امری یا خودداری از انجام امری بوده است به حبس تادیبی از سه ماه تا یک سال و به پرداخت غرامت از یک هزار ریال تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۲۵ - هرکس به وسیله مطبوعات به وزرا یا معاونین وزارتخانه‌ها و یا به یکی از مستخدمین دولت اعم از قضایی و اداری و لشکری و اعضا دیوان محاسبات و نمایندگان مجلس و روسا و اعضا انجمن‌های شهرداری یا ایالتی و ولایتی یا نسبت به اعضا هیات منصفه و یا اعضا اطاق بازرگانی و یا مقامات رسمی دیگر به سبب انجام وظایف محوله به آنان اهانت نماید و یا آنان را در انجام وظایفشان مورد تهمت و افترا قرار دهد به حبس تادیبی از سه ماه تا یک سال و پرداخت غرامت از یک هزار ریال تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد. در مورد این ماده و همچنین در مورد ماده ۲۳ پس از شروع تحقیقات قانونی دادستان به متهم اخطار خواهد کرد مادام که تحت تعقیب کیفری است از نشر هر نوع مطلب مربوط به اهانت و یا افترا درباره شاکی خودداری نماید در صورتی که متهم به اخطار دادستان ترتیب اثر ندهد دادستان می‌تواند امر به توقیف روزنامه یا مجله صادر کند.

متهم نیز می‌تواند از این دستور دادستان به دادگاه شهرستان محل شکایت نماید. دادستان موظف است فوراً پرونده را به دادگاه بفرستد و دادگاه باید در ظرف ۳ روز پس از وصول پرونده به شکایت رسیدگی و رای مقتضی صادر کند.

چنانچه دادگاه نظر دادستان را تایید نماید دیگر آن روزنامه یا مجله تا زمانی که متهم تحت تعقیب کیفری است قابل انتشار نخواهد بود.

تبصره - افترا و تهمت مذکور در این ماده بدون شکایت شاکی خصوصی قابل تعقیب است در صورتی که اسناد دهنده صحت امور منتسبه را در دادگاه ثابت نماید از مجازات معاف است متهم باید پس از تعقیب منتهی در ظرف ده روز مدارک و شهود خود را برای اثبات نسبت‌هایی که داده است تسلیم و معرفی نماید در صورتی که متهم دلایل اثبات اسناد خود را به دادسرا بدهد. دلایل اواخذ و ضمیمه پرونده شده پس از صدور قرار مقتضی به دادگاه جنایی ارسال می‌گردد تا ضمن رسیدگی به اتهام متهم بدلائل تقدیمی او نیز رسیدگی شود.

ماده ۲۶ - هرکس به وسیله مطبوعات به اقلیت‌های مذهبی یا نژادی ساکن ایران برای تولید نفاق و اختلاف و یا بغض و کینه میان سکنه مملکت اهانت نماید و یا آنان را به ایجاد دشمنی و نفاق نژادی و یا مذهبی تحریص کند به یک ماه تا شش ماه حبس تادیبی و یا پرداخت پانصد تا ۵ هزار ریال غرامت محکوم خواهد شد.

ماده ۲۷ - هرکس در انتشار روزنامه یا مجله خود از نام یا کلیشه روزنامه دیگر تقلید نماید که سوء استفاده محسوب شود به تقاضای شاکی خصوصی از پانصد تا ۵ هزار ریال جزای نقدی و تعطیل روزنامه یا مجله محکوم خواهد شد. شاکی خصوصی می‌تواند خسارات خود را مطالبه نماید دادگاه مکلف است نسبت به آن نیز رسیدگی کند.

ماده ۲۸ - در کلیه جرایم مذکور در مواد فوق مدیر یا نویسنده مورد تعقیب قرار خواهد گرفت ولی هرگاه نویسنده معروف و مقیم ایران باشد مدیر از تعقیب معاف است و اگر مدیر از معرفی نویسنده عاجز باشد یا خودداری کند و یا نویسنده قابل تعقیب جزایی نباشد خود مدیر تعقیب و مجازات خواهد شد.

ماده ۲۹ - در کلیه موارد مذکور در مواد فوق آنجا که جرم جنبه هتک حرمت یا توهین و یا افترا نسبت به اشخاص دارد تعقیب مرتکب منوط به شکایت شاکی خصوصی یا نماینده قانونی او است و در صورت استرداد شکایت تعقیب موقوف خواهد شد.

فصل چهارم: تظلمات

ماده ۳۰ - هرکس بر خلاف مواد ۲ یا ۱۰ یا ۱۱ یا ۱۲ و تبصره ماده پنجم این لایحه قانونی مبادرت به انتشار روزنامه یا مجله کند به پرداخت دوهزار تا ده هزار ریال محکوم می شود.

تبصره - در موارد فوق فرماندار محل دستور تعطیل روزنامه و یا مجله را می دهد و مراتب را برای تعقیب قانونی مرتکب به دادستان شهرستان اعلام خواهد نمود.

ماده ۳۱ - هرکس بر خلاف ماده شش یا هشت یا سیزده این لایحه قانونی اقدام کند به پرداخت یک هزار تا پنج هزار ریال یا دو ماه تا شش ماه حبس تأدیبی محکوم می شود.

ماده ۳۲ - مطبوعاتی که در آن دستور ماده ۸ مراعات نشده باشد قابل انتشار نیست و در صورت اقدام به انتشار از طرف مامورین انتظامی جمع آوری و ضبط خواهد شد.

در صورتی که نام چاپخانه و یا سایر نام های مذکور در ماده ۸ برخلاف واقع چاپ شده باشد مرتکب به حداکثر مجازات مذکوره در ماده ۳۱ محکوم می شود همین مجازات درباره مدیر آن چاپخانه هائی که ماده ۸ را رعایت نکنند اعمال می شود.

ماده ۳۳ - نشریه ای که مشمول ماده اول این لایحه قانونی نباشد تعریف روزنامه یا مجله بر آن صدق نمی کند و تابع قوانین عمومی است.

فصل پنجم: دادرسی مطبوعات - هیات منصفه

ماده ۳۰ - جرم مطبوعاتی عبارتست از توهین و افترا به وسیله روزنامه یا مجله یا نشریه از لحاظ ارتباط با مقام و یا شغل رسمی با رویه اداری یا اجتماعی و یا سیاسی به شخص یا اشخاص - انتقاد از روش سیاسی و اداری به وسیله روزنامه - مجله یا نشریه نسبت به مسئولین و متصدیان امور دولتی و اشخاص نامبرده در ماده ۲۲ که از لحاظ مصالح عمومی صورت می گیرد جرم محسوب نمی شود. ذکر جملات توهین آمیز و افترا و هتک حیثیت و شرف یا ناموس و فحش و ناسزا به شخص و یا بستگان شخص، جرم مطبوعاتی محسوب نشده و بر طبق مقررات عمومی قانون جزا و این قانون قابل تعقیب خواهد بود.

ماده ۳۱ - به جرایم مطبوعاتی و همچنین به جرایم سیاسی غیر مطبوعاتی بر طبق اصل هفتاد و نهم متمم قانون اساسی در دادگاه جنایی دادگستری با حضور هیات منصفه رسیدگی می شود و جرایم غیر مطبوعاتی در دادگاه جنحه مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

ماده ۳۲ - مرجع شکایات مطبوعاتی دادرسی شهرستان هر محل است و دادرسی های مزبور پرونده را برای رسیدگی به دادگاه جنایی ارسال خواهند داشت.

ماده ۳۳ - انتخاب هیات منصفه و ترتیب شرکت اعضا آن در رای دادگاه به طریق ذیل خواهد بود:

الف - هر دو سال یکبار در بهمن ماه در تهران و در مراکز که دارای دادگاه استان است هیاتی مرکب از فرماندار و رییس دادگستری و رییس انجمن شهر (و در صورتی که انجمن شهر وجود نداشته باشد شهردار) و نماینده فرهنگ به دعوت فرماندار تشکیل می‌شود.

هیات مزبور در تهران صورتی از هفتاد و پنج نفر طبقات سه گانه ذیل:

۱ - علما و دانشمندان و نویسندگان و دبیران و آموزگاران و وکلای دادگستری و سردفتران

۲ - بازرگانان و ملاکین و کشاورزان

۳ - کارگران و اصناف و پیشه وران جز

از هر نقطه فهرستی مشتمل بر بیست و پنج نفر تهیه می‌کند اشخاص منظور در صورت ها باید علاوه بر داشتن حسن سابقه واجد شرایط انتخاب شدن برای نمایندگان مجلسین شورای ملی بوده و در مقر دادگاه مقیم باشند پس از تنظیم صورت ها از هر طبقه دوازده نفر با قرعه برای عضویت هیات منصفه انتخاب می‌شود و فرماندار مراتب را کتبا به کلیه ۳۶ نفری که برای عضویت هیات منصفه انتخاب شده‌اند ابلاغ می‌نماید که رد یا قبولی خود را در ظرف سه روز اعلام دارند. عدم اعلام رد در حکم قبولی است و اگر یک یا چند نفر از قبول این سمت خودداری کنند، هیات مزبور کسری هر طبقه را تا میزان ۷۵ نفر از خارج تکمیل و به جای افراد مستعفی با قرعه از میان افراد همان طبقه انتخاب می‌نماید سپس فرماندار آنان را به وسیله رییس دادگاه استان به دادگاه جنایی محل معرفی می‌کند. رییس دادگاه استان تا نیمه اسفند ماه همان سال صورت اعضا هیات منصفه را باید در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار اعلان نماید و برای سایر مراکز استانها عده اعضا هیات منصفه ۱۸ نفر مقرر می‌شود که به همان ترتیب مذکور در فوق (با این تفاوت که از هر یک از طبقات سه گانه در بدو امر شش نفر در فهرست منظور می‌شود) انتخاب و معرفی خواهند گشت.

ب - در مورد هر محاکمه مطبوعاتی و یا سیاسی دادگاه جنایی در جلسه مقدماتی خود با حضور دادستان استان یا نماینده و سه نفر از اعضا هیات منصفه را از هر طبقه یک نفر به سمت عضو اصلی و سه نفر را به همان ترتیب به سمت عضو علی البدل با قرعه انتخاب و دعوت می‌نماید. کلیه اعضا هیات منصفه اعم از اصلی و علی البدل که در جلسه دادرسی شرکت نموده‌اند باید از ابتدای دادرسی تا ختم آن در تمام جلسات حضور داشته باشند و چنانچه یک یا چند نفر از اعضا اصلی غایب و یا قانونا از شرکت ممنوع باشند و عده اعضا علی البدل که حضور یافته‌اند زاید بر عده غایبین و یا معذورین باشد به میزان احتیاج از اعضا علی البدل با قرعه به جای کسری اعضا اصلی انتخاب خواهند شد و در هر حال با حضور سه نفر از اعضا اصلی یا علی البدل خواه ابلاغ به سایرین شده یا نشده باشد دادگاه قابل تشکیل است.

ماده ۳۴ - دادگاه جنایی برای رسیدگی به جرایم مطبوعاتی مرکب از سه نفر دادرس و با حضور هیات منصفه تشکیل می‌شود و مطابق مقررات آیین دادرسی کیفری رسیدگی می‌نماید پس از اعلام ختم دادرسی بلافاصله دادرسان دادگاه با اعضا هیات منصفه متفقا به شور پرداخته درباره دو مطلب ذیل:

الف - آیا متهم گناهکار است؟

ب - در صورت تقصیر آیا مستحق تخفیف می‌باشد یا خیر؟

رای می‌دهند در صورت تساوی آرا رای رییس دادگاه با هر طرف که باشد قاطع است رییس دادگاه فوراً بر طبق این رای موجه و با ذکر دلایل به انشا حکم مبادرت می‌ورزد. چنانچه حکم بر محکومیت متهم صادر گردد محکوم علیه می‌تواند در مدت دو روز از تاریخ ابلاغ تقاضای فرجام نماید ولی اگر حکم مبنی بر برائت باشد قابل رسیدگی فرجامی نیست و نیز در صورتی که متهم تبریه و یا به مجازاتی محکوم شود که مستلزم سلب حقوق اجتماعی نباشد از روزنامه یا مجله در صورتی که قبلاً توقیف شده باشد بلافاصله و خود به خود رفع توقیف خواهد شد.

تبصره - هرگاه در حین محاکمه اعضا هیات منصفه سوالاتی داشته باشند سوال خود را کتبا به دادگاه خواهند داد که به وسیله رییس دادگاه مطرح گردد.

ماده ۳۵ - موارد رد اعضا هیات منصفه و شرایط آن همان است که قانوناً در مورد قضات پیش‌بینی شده است.

ماده ۳۶ - هرگاه جلسه رسیدگی خواه در ابتدا یا اثنا دادرسی به واسطه عدم حضور یک یا چند نفر از اعضا هیات منصفه تشکیل نشود، رییس دادگاه جنایی در جلسه علنی از بین قضات حاضر شعب دادگاه استان در تهران و از بین کلیه قضات حاضر در مرکز استان در خارج از تهران عده هیات منصفه را به حکم قرعه تعیین یا تکمیل نموده با شرکت آنان به موضوع رسیدگی خواهد کرد.

قضاتی که به عنوان هیات منصفه به حکم قرعه انتخاب می‌شوند صرفاً جنبه عضویت هیات منصفه را دارند و در صورت عدم حضور یا عدم شرکت در رای متخلف محسوب شده و تحت تعقیب انتظامی قرار خواهند گرفت.

ماده ۳۷ - هر یک از اعضا دیگر هیات منصفه که به حکم قرعه معین شده‌اند، چنانچه بدون عذر موجه در جلسات محاکمه حاضر نشوند و یا از شرکت در رای خودداری کنند به حکم دادگاهی که موضوع در آن مطرح است برای مرتبه اول محکوم به پرداخت مبلغی از هزار تا ده هزار ریال خواهند شد و در صورت تکرار علاوه بر پرداخت وجه از بعضی یا تمام حقوق مذکور ذیل از شش ماه تا دو سال به تشخیص همان دادگاه محروم خواهند شد.

الف - حق استخدام در ادارات دولتی و شهرداری ها و بنگاه ها و شرکت هایی که لاقلاً نصف سرمایه آنها متعلق به دولت باشد.

ب - حق انتشار روزنامه و مجله و انتخاب شدن در انجمن شهر و شرکت در انجمن های نظارت انتخابات مجلسین.

ماده ۳۸ - هیچ روزنامه و یا مجله‌ای را قبل از صدور حکم دادگاه نمی‌توان توقیف یا تعطیل کرد مگر در مواردی که در این قانون ذکر شده و موارد اتهامات زیر:

۱ - آنجا که مضر به اساس دین اسلام باشد.

۲ - آنجا که هتک احترام از مقام سلطنت شده باشد.

۳ - آنجا که نقشه طرح حرکت قشون یا دیگر از اسرار نظامی مکشوف شده باشد.

۴ - آنجا که دعوت به عصیان در مقابل قوای رسمی مملکتی و موجب هیجان کلی و اختلال امنیت عمومی شده باشد.

۵ - آنجا که انتشار مقالات مضر به عفت عمومی با اشاعه صور قبیحه بر ضد عفت و عمصت عمومی باشد.

در موارد فوق دادستان شهرستان رأسا و یا بنابر تقاضای فرماندارمحل دستور توقیف روزنامه یا مجله و ضبط اوراق انتشار یافته را خواهد داد و در ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده امر را به دادگاه جنایی خواهد فرستاد. دادگاه جنایی در جلسه فوق العاده در مدتی که بیش از سه روز نباشد نظر خود را نسبت به رد یا قبول تقاضای دادستان اعلام خواهد کرد. در صورتی که دادگاه با توقیف روزنامه یا مجله موافقت نماید بازپرس و دادستان مکلفند در ظرف یک هفته نظر نهایی خود را نسبت به اصل موضوع اعلام دارند و دادگاه باید با تهیه مقدمات قانونی خارج از نوبت نسبت به اصل موضوع رسیدگی نماید.

تبصره - روزنامه هایی که بر طبق این ماده توقیف می شوند نمی توانند به اسامی دیگر و با همان سبک و اسلوب منتشر شوند و در صورت تخلف از این ماده روزنامه یا مجله ای که به جای روزنامه توقیف شده انتشار یافته است نیز به ترتیب فوق توقیف می شود و کسانی که روزنامه یا مجله خود را به جای روزنامه یا مجله توقیف شده منتشر نمایند به حبس تادیبی از یک ماه تا سه ماه و جریمه نقدی از پانصد تا پنج هزار ریال محکوم می شوند و امتیاز آنان نیز باطل می گردد.

ماده ۳۹ - در صورتی که دادگاه با توقیف روزنامه موافقت نکند بلافاصله از روزنامه رفع توقیف خواهد شد.

ماده ۴۰ - در جرایم مطبوعاتی دادگاه خارج از نوبت رسیدگی می نماید و مهلتی که برای قرائت پرونده به وکیل مدافع و خود متهم داده می شود بیش از سه روز نخواهد بود و این مدت با تقاضای متهم یک دفعه و برای سه روز قابل تمدید می باشد و از تاریخ انقضا مهلت تا تشکیل جلسه مقدماتی نیز نباید بیش از سه روز فاصله باشد و فاصله جلسه مقدماتی تا جلسه دادرسی حداکثر نباید بیش از ده روز باشد و تنفس در این محاکمات زاید بر دو از ده ساعت نخواهد بود و شاکی خصوصی و متهم هر کدام بیش از سه نفر وکیل مدافع نمی توانند تعیین نمایند ولی دادگاه در صورت حضور یک وکیل از هر یک طرفین دعوی رسیدگی می کند.

ماده ۴۱ - قانون مطبوعات مصوب محرم ۱۳۲۶ و کلیه قوانین و مقرراتی که با این مواد مغایرت داشته باشد لغو می شوند.

ماده ۴۲ - وزارتخانه های کشور - دادگستری مأمور اجرا این لایحه قانونی هستند.

به موجب قانون تمدید تبصره قانون القا کلیه لوایح مصوب آقای دکتر مصدق ناشیه از اختیارات لایحه قانونی مربوط به مطبوعات که در تاریخ دهم مرداد ماه یک هزار و سیصد و سی و چهار به تصویب کمیسیون های مشترک مجلسین رسیده موقتا قابل اجرا می باشد. رییس مجلس سنا - سیدحسن تقی زاده

رییس مجلس شورای ملی - رضا حکمت

اصل لایحه قانونی در دفتر نخست وزیر است.

از طرف نخست وزیر